

سیمای انسان در عالم برزخ (۲)

حجت الاسلام والمسلمین مصطفی آزادیان*

در جلسه گذشته به سه محور از مباحث مربوط به وضعیت انسان در عالم برزخ اشاره شد. در این جلسه، به سایر مسائل باقیمانده در این خصوص می‌پردازیم.

۴. فشار قبر

یکی دیگر از مسائلی که در عالم برزخ اتفاق می‌افتد، فشار قبر است. مقصود از فشار قبر، فشار بر جسم مادی نیست؛ بلکه فشار و عذاب روحانی و متناسب با جسم برزخی و مثالی است. امام صادق علیه السلام در مناجات خود به خداوند عرض می‌کند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَ مِنْ ضَعْفَةِ الْقَبْرِ، وَ مِنْ ضَيْقِ الْقَبْرِ؛^۱ خدایا! از عذاب قبر و فشار و تنگی آن، به تو پناه می‌برم.»

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۲۹۶؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۲۶۳، ح ۳۴.

مطابق برخی روایات، فشار قبر برای همه وجود دارد؛ اما برای بعضی شدید، و برای عده‌ای ملایم‌تر و به‌منزله کفار کفاره گناهان و جبران کوتاهی‌های آنها در دنیا است.^۱ پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگام دفن صحابی معروف، سعد بن معاذ، فرمود:

«إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ لَهُ ضَمَّةٌ؛^۲ هیچ مؤمنی نیست، مگر اینکه فشاری در قبر دارد.»

از برخی احادیث استفاده می‌شود که بعضی از مؤمنان فشار قبر ندارند. به هر حال، فشار قبر دارای اسباب و عواملی است که در ادامه پاره‌ای از آنها را بررسی می‌کنیم.

عوامل فشار قبر

در روایات، عواملی برای فشار قبر مطرح شده است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. **بدخُلُق با خانواده:** برخی مؤمنان، ممکن است در بیرون خانه اخلاق و رفتار خوبی داشته باشند؛ اما وقتی وارد خانه می‌شوند با پدر، مادر، همسر و یا فرزندان خود بدرفتاری نمایند و اخلاق و آداب اسلامی را رعایت نکنند. این صفت ناشایست اخلاقی، موجب فشار قبر می‌شود. پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره سعد بن معاذ فرمود:

«إِنَّهُ كَانَ فِي خُلُقِهِ مَعَ أَهْلِهِ سُوءٌ؛^۳ اخلاق سعد با خانواده‌اش بد بود [به همین جهت، دچار فشار قبر شد].»

۲. **ضایع کردن نعمت‌های الهی:** در حدیثی امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند:

«ضَغْطَةُ الْقَبْرِ لِلْمُؤْمِنِ كَفَّارَةٌ لِمَا كَانَ مِنْهُ مِنْ تَضْيِيعِ النِّعَمِ؛^۴ فشار قبر برای مؤمن، کفارۀ ضایع کردن نعمت‌ها از ناحیه اوست.»

از وظایف اساسی انسان، قدرشناسی از نعمت‌های الهی است. شکر نعمت، گاهی زبانی است و با گفتن «الحمد لله» و «شکراً لله» تحقق می‌یابد و گاهی عملی است. شکر عملی نعمت‌های الهی، به آن است که نعمت‌ها را در جایگاه خود و همان‌گونه که خداوند فرموده،

۱. مکارم شیرازی و همکاران، پیام قرآن، ج ۵، ص ۴۶۸ - ۴۶۹.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۲۱، ح ۱۹.

۳. همان، ص ۲۲۰، ح ۱۴.

۴. همان، ص ۲۲۱، ح ۱۶.

مصرف کنیم؛ برای مثال، وقتی خداوند به کسی نعمت مال عنایت می‌کند، شکر عملی، این است که انضباط مالی داشته باشد، اهل خمس و زکات باشد، مال حرام را با مال خود مخلوط نکند، نعمت‌ها را در راه عبادت حق و خدمت به دین و خلق خدا مصرف نماید و به فقرا و نیازمندان کمک کند.

مطابق آموزه‌های دینی، شکر نعمت موجب ازدیاد آنها خواهد شد:

«لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»^۱ اگر شکرگزاری کنید، [نعمت خود را] بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنید، همانا مجازاتم شدید است!^۲
شکر نعمت، نعمت افزون کند کفر نعمت، از کفّت بیرون کند

۳. برنیوردن حاجت مؤمن: از موجبات استواری جامعه، حس برادری، همیاری و همدردی میان افراد است. مسلمانان با هم برادرند و باید نسبت به یکدیگر مهربان باشند و مشکلات هم را برطرف کنند. امروزه برخی با گفتن این جمله که «این مشکل، مشکل شماست»، از زیر بار مسئولیت اجتماعی خود شانه خالی می‌کنند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أَيُّمَا مُؤْمِنٍ سَأَلَهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ حَاجَةً وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى قَضَائِهَا وَلَمْ يَقْضِهَا لَهُ، سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ شُجَاعاً فِي قَبْرِهِ يَنْهَشُ أَصَابِعَهُ»^۳ اگر مؤمنی توانایی برآوردن حاجت مؤمنی را داشته باشد و برنیورد، خداوند در قبر بر او مار عظیمی را که «شجاع» نام دارد، مسلط می‌کند تا پیوسته انگشتان او را بگزد.^۴

۴. سخن چینی و ایجاد اختلاف میان مردم: رعایت نکردن طهارت از ادار و دوری از همسر: امام علی علیه السلام فرمود: «عَذَابُ الْقَبْرِ يَكُونُ مِنَ النَّمِيمَةِ وَ الْبَوْلِ وَ عَزَبِ الرَّجُلِ عَنِ أَهْلِهِ»^۳ عذاب قبر، از ناحیه: سخن چینی، عدم رعایت طهارت از ادار و دوری شوهر از همسرش حاصل می‌شود.^۴

سخن چینی، یکی از آفات زبان و رذایل اخلاقی است که انسان را از خدا دور می‌سازد. قرآن کریم در نکوهش سخن چینی می‌فرماید: «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ»^۴ وای بر هر عیبجوی

۱. ابراهیم، آیه ۷.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۱۹.

۳. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۳۹.

۴. همزه، آیه ۱.

سخن چین.» در آیه دیگر می‌فرماید: «هَمَّازٌ مَشَاءٌ بَنَمِيمٍ؛^۱ از کسی که بسیار عیب‌جوست و به سخن چینی آمدوشد می‌کند، [اطاعت مکن].» کسی که با نَمَامی و سخن چینی آتش کینه و عداوت را میان مردم برمی‌افروزد و عامل تفرقه و جدایی بین مسلمانان می‌شود، اهل بهشت نیست. پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمَامٌ؛^۲ سخن چین، وارد بهشت نمی‌شود.»

عوامل آرامش در قبر

برای اینکه دچار فشار قبر نشویم، باید عوامل فشار قبر را برطرف کنیم؛ در روایات برای نجات از فشار قبر به مواردی اشاره شده که به بیان چند نمونه می‌پردازیم:

۱. خواندن نماز لیلۃ‌الدفن: یکی از عواملی که موجب می‌شود ارواح در عالم قبر دچار عذاب نشوند، خواندن نماز لیلۃ‌الدفن (نماز وحشت) است. عالم بزرگ، حاجی نوری، در کتاب *دار السلام* نقل می‌کند:

استاد ما، ملا فتحعلی سلطان‌آبادی رحمته‌الله فرمود: عادت داشتم هر وقت کسی از دوستان خاندان رسالت از دنیا می‌رفت و خبر آن به من می‌رسید، دو رکعت نماز شب دفن برای او می‌خواندم؛ خواه میت را بشناسم، خواه شناسم و هیچ‌کس از عادت من آگاه نبود؛ تا اینکه روزی یکی از دوستانم را در راهی ملاقات کردم. گفت: دیشب فلان شخص را که به‌تازگی از دنیا رفته، در عالم خواب دیدم. وقتی از وضعیت او پرس از مرگش پرسیدم، پاسخ داد: پس از مرگ، در تنگنای سختی بودم تا اینکه فلانی، نام شما را برد، دو رکعت نماز برای من خواند. همان دو رکعت، مرا از عذاب نجات داد. خدا پدرش را رحمت کند که به من چنین احسانی نمود. آن‌گاه آن شخص از ملا فتحعلی پرسید: آن دو رکعت نماز، چه نمازی بود؟ روش خود را در مورد خواندن نماز شب دفن، برای او بیان کردم.^۳

۲. دوستی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عليهم‌السلام: پیامبر اعظم در این باره فرمود: «حُبِّي وَ حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ أَهْوَالُهُنَّ عَظِيمَةٌ عِنْدَ الْوَفَاةِ وَالْقَبْرِ وَ عِنْدَ التُّشْوُرِ وَ عِنْدَ الْكِتَابِ وَ عِنْدَ

۱. قلم، آیه ۱۱.

۲. مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۷۲، ص ۲۶۸.

۳. شیخ عباس قمی، *منازل الآخرة*، ص ۳۰.

الْحِسَابِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ عِنْدَ الصِّرَاطِ؛ رابطه دوستی با من و اهل بیت، در هفت موقعیت حساس که هول و هراس آنها خیلی بزرگ است، سودبخش می‌باشد؛ هنگام مرگ، در قبر، وقت رستاخیز، هنگام دریافت نامه عمل، زمان حسابرسی، هنگام سنجش اعمال و زمان عبور از صراط.»

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْجُوَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ فَلْيَحِبَّ أَهْلَ بَيْتِي؛ هرکسی که می‌خواهد از عذاب قبر نجات پیدا کند، باید اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مرا دوست داشته باشد.» نکته مهم در محبت پیامبر و اهل بیت گرامی‌اش آن است که انسان باید تلاش کند محبت و پیوند خود را به صورت محبت و پیوند عمیق قلبی درآورد و همواره به یاد آن بزرگواران باشد و به دستوراتشان عمل کند. این نوع محبت است که نفع خواهد داشت؛ نه محبت سطحی و زبانی؛ زیرا ملاک دوست داشتن واقعی و قلبی، تبعیت عملی از فرامین دین است؛ چنان‌که قرآن کریم درباره محبت راستین به «الله» می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ؛^۳ بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خدا [نیز] را دوست بدارد.»

۳. سازگاری همسر با شوهر: زندگی مشترک زن و شوهر، نیاز مبرم به گذشت، مدارا و تفاهم دارد. مردی که عهده‌دار مدیریت زندگی مشترک است، باید دارای شرح صدر و روح گذشت و فداکاری باشد. زن نیز باید با صبر و شکیبایی و فراهم کردن محیطی آرام و با معنویت در خانه، نقش اساسی و تعیین‌کننده خود را در ثبات و پایداری زندگی زناشویی ایفا کند. مرد باید در حلّ توان خود، نفقه و هزینه زندگی زن را مانند: لباس، خوراک و مسکن، فراهم کند و با او مهربان باشد و به‌نیکویی رفتار کند. در این باره خداوند می‌فرماید: «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛^۴ با زنان، به‌طور شایسته رفتار کنید.» امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ زَوْجَتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ مَلَكَهَ نَاصِيَتَهَا وَ جَعَلَهُ الْقَيْمَ عَلَيْهِ؛^۵

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷، ص ۲۴۸، ح ۲.

۲. همان، ج ۲۷، ص ۱۱۶.

۳. آل عمران، آیه ۳۱.

۴. نساء، آیه ۱۹.

۵. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۲.

خدا رحمت کند بنده‌ای را که میان خود و زنش روابط حسنه برقرار کند؛ زیرا خداوند سرنوشت زن را به دست او سپرده و او را به سرپرستی وی موظف ساخته است.»
 همچنین، امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَمَنْ صَبَرَ عَلَى خُلُقِ امْرَأَةٍ سَيِّئَةٍ الْخُلُقِ وَاحْتَسَبَ فِي ذَلِكَ الْأَجْرَ أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ»^۱ مردی که بر اخلاق همسری بداخلاق صبر کند و او را تحمل نماید و به حساب اجر الهی بگذارد، خداوند پاداش شکرگزاران را به او خواهد داد.»

از سوی دیگر، زن نیز نسبت به شوهر خود باید مهربان و رثوف باشد و در مقابل سختی‌ها و مشکلات و بداخلاقی‌های شوهر، صبور و با گذشت باشد و زندگی خود را بر اساس گذشت، مهربانی، تفاهم و مدارا بنا نهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت گذشت و شکیبایی زن در زندگی می‌فرماید: «ثَلَاثٌ مِنَ النِّسَاءِ يَرْفَعُ اللَّهُ عَنْهُنَّ عَذَابَ الْقَبْرِ وَ يَكُونُ مَحْشَرُهُنَّ مَعَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ (ص) امْرَأَةٌ صَبْرَتْ عَلَى غَيْرَةِ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةٌ صَبْرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةٌ وَهَبَتْ صَدَاقَهَا لِزَوْجِهَا يُعْطِيَ اللَّهُ تَعَالَى لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ ثَوَابَ أَلْفِ شَهِيدٍ وَ يَكْتَسِبُ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ عِبَادَةَ سَنَةٍ»^۲ عذاب قبر، از سه طایفه از زنان برداشته خواهد شد و با فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله محشور می‌شوند. زنی که بر غیرت [و تعصب بیجا و بددلی] شوهرش شکیبا باشد؛ زنی که در برابر بداخلاقی همسرش صبور باشد؛ زنی که مهر خود را به همسرش ببخشد. خداوند به هریک از آنها ثواب هزار شهید را می‌بخشد و برای هر کدام، ثواب یک سال عبادت را در نظر می‌گیرد.»

۴. اقامه نماز: فشار قبر، از کسانی که به نماز پایبندند، برداشته می‌شود. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «الصَّلَاةُ شَفِيعٌ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَلِكِ الْمَوْتِ وَ أُنْسٍ فِي قَبْرِهِ وَ فِرَاشٍ تَحْتَ جَنْبِهِ وَ جَوَابٍ لِمُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ»^۳ نماز، شفیع نمازگزار نزد ملک الموت، مونس در قبر، بستری نیکو در قبر و پاسخ به سؤال نکیر و منکر می‌باشد.»

۵. خواندن قرآن کریم: مطابق روایات، خواندن بعضی سوره‌ها موجب برطرف شدن عذاب قبر می‌شود؛ مانند: خواندن سوره نساء در هر جمعه، مداومت بر خواندن سوره زخرف،

۱. همان، ج ۱۴، ص ۱۲۴.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۸۵.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۳۱.

خواندن سوره «التَّكْوِيْن» در وقت خواب، خواندن سوره یس پیش از خواب و یا قبل از غروب و خواندن سوره «المُلْك» بالای سر قبر میّت.^۱

۵. تجسم اعمال

مطابق برخی روایات، اعمال نیک انسان، در عالم قبر به شکل صورت‌های نورانی و زیبا مجسم می‌شوند و به کمک صاحب خود می‌آیند و در مقابل، اعمال گناه‌آلود و زشت، به شکل صورت‌های زشت و ترسناک در قالب‌های مثالی مجسم می‌شوند و موجب عذاب صاحب خویش می‌گردند. از امام صادق علیه السلام یا حضرت باقر علیه السلام روایت شده است:

«إِذَا مَاتَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ دَخَلَ مَعَهُ فِي قَبْرِهِ سِتَّةٌ صُورٍ فِيهِنَّ صُورَةٌ هِيَ أَحْسَنُهُنَّ وَجْهًا وَأَبْهَاهُنَّ هَيْئَةً وَأَطْيَبُهُنَّ رِيحًا وَأَنْظَفُهُنَّ صُورَةٌ قَالَ فَيَقِفُ صُورَةٌ عَنْ يَمِينِهِ وَأُخْرَى عَنْ يَسَارِهِ وَأُخْرَى بَيْنَ يَدَيْهِ وَأُخْرَى خَلْفَهُ وَأُخْرَى عِنْدَ رِجْلَيْهِ وَيَقِفُ الَّتِي هِيَ أَحْسَنُهُنَّ فَوْقَ رَأْسِهِ فَإِنِ اتَى عَنْ يَمِينِهِ مَنَعَتْهُ الَّتِي عَنْ يَمِينِهِ ثُمَّ كَذَلِكَ إِلَى أَنْ يُؤْتَى مِنَ الْجِهَاتِ السَّتِّ قَالَ فَتَقُولُ أَحْسَنُهُنَّ صُورَةٌ مَنْ أَنْتُمْ جَزَاكُمْ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا فَتَقُولُ الَّتِي عَنْ يَمِينِ الْعَبْدِ أَنَا الصَّلَاةُ وَتَقُولُ الَّتِي عَنْ يَسَارِهِ أَنَا الزَّكَاةُ وَتَقُولُ الَّتِي بَيْنَ يَدَيْهِ أَنَا الصِّيَامُ وَتَقُولُ الَّتِي خَلْفَهُ أَنَا الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ وَتَقُولُ الَّتِي عِنْدَ رِجْلَيْهِ أَنَا بَرٌّ مَنْ وَصَلْتَ مِنْ إِخْوَانِكَ ثُمَّ يَقْلَنَ مَنْ أَنْتَ فَأَنْتَ أَحْسَنُنَا وَجْهًا وَأَطْيَبُنَا رِيحًا وَأَبْهَانَا هَيْئَةً فَتَقُولُ أَنَا الْوَلَايَةُ لِأَلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛^۲ زمانی که مؤمن می‌میرد، با او شش صورت داخل قبر می‌شود که یکی از آنها، خوش‌روتر، خوش‌بوتر و پاکیزه‌تر از باقی صورت‌هاست. پس یکی در جانب راست، یکی در جانب چپ، یکی در پیش رو، یکی در پشت سر و دیگری در پایین پا و آن‌که خوش‌صورت‌تر است، در بالای سر می‌ایستند. پس عذاب از هر جهت که می‌آید، آن‌که در آن جهت ایستاده، مانع می‌شود. پس آن‌که از همه خوش‌صورت‌تر است، به سایر صورت‌ها می‌گوید: شما کیستید؟ خدا از جانب من شما را جزای خیر دهد. صاحب جانب راست می‌گوید: من نمازم. صاحب جانب چپ می‌گوید: من زکاتم. آن‌که در پیش روست، می‌گوید: من روزه‌ام. آن‌که در عقب سر است، می‌گوید:

۱. شیخ عباس قمی، منازل الآخرة، ص ۳۴ - ۳۷.

۲. احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۸۸؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۳۴، ح ۵۰.

من حج و عمره‌ام و آن‌که در پایین پاست، می‌گوید: من نیکی و احسان به برادران مؤمنم. پس آنها به او می‌گویند: تو کیستی که از همه ما بهتر و خوشبوتری؟ می‌گوید: من، ولایت آل محمد علیهم‌السلام هستم.»

۶. جایگاه ارواح مؤمنان و کافران

همان‌گونه‌که پیش‌تر اشاره شد، عالم برزخ و مثال، جزیی از عالم ماده نیست تا مکان و محدوده داشته باشد؛ بلکه عالم مثال، در باطن و ملکوت همین دنیا است و نسبت به آن، بسیار گسترده‌تر است.

«باید دانست که عالم برزخ، از عالم دنیا به مراتب وسیع‌تر است؛ زیرا مثال، گسترده‌تر و بزرگ‌تر از جسم مادی است.»^۱

بنابراین، وقتی به جایگاه ارواح اشاره می‌کنیم، مراد ما جایگاه مادی و ظاهری آنها نیست تا برای همه قابل رؤیت باشد؛ بلکه منظور آن است که ارواح در قالب بدن‌های مثالی خود، در باطن و ملکوت دنیا به حیات برزخی خویش ادامه می‌دهند تا روز رستاخیز برپا شود. بر همین اساس، در برخی روایات آمده است که ارواح مؤمنان در وادی السلام نجف اشرف، و ارواح کفار در برهوت یمن جمع می‌شوند. احمد بن عمر از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند: «قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنَّ أَخِي بَبَغْدَادٍ، وَ أَخَافُ أَنْ يَمُوتَ بِهَا. فَقَالَ: مَا تُبَالِي حَيْثُمَا مَاتَ؛ أَمَا إِنَّهُ لَأَبِيَقِي مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا إِلَّا حَشَرَ اللَّهُ رُوحَهُ إِلَى وَادِي السَّلَامِ. قُلْتُ لَهُ: وَ أَيْنَ وَادِي السَّلَامِ؟ قَالَ: ظَهَرَ الْكُوفَةِ، أَمَا إِنِّي كَأَنِّي بِهِمْ حَلَقٌ حَلَقٌ قُعُودٌ يَتَحَدَّثُونَ؛^۲ [احمد بن عمر] می‌گوید: خدمت امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: برادر من، در بغداد است و می‌ترسم در آنجا بمیرد. حضرت فرمود: چه پروا داری، هر جا خواهد بمیرد! هیچ مؤمنی در مشرق و مغرب زمین باقی نمی‌ماند، مگر آنکه خدا روح او را در وادی السلام جمع می‌کند. عرض کردم: وادی السلام کجاست؟ فرمود: در پشت کوفه، و گویا می‌بینم ایشان را که حلقه‌حلقه نشسته و با یکدیگر سخن می‌گویند.»

۱. سید محمدحسین طباطبایی، انسان از آغاز تا انجام، ص ۸۸.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۶۸، ح ۱۱۸.

حَبَّه عَرْنَى که از یاران مخصوص امام علی علیه السلام است، می گوید: در حضور امام علیه السلام در کوفه بودم و با حضرت به پشت کوفه، یعنی نجف اشرف رهسپار شدیم. وقتی در وادی السَّلام توقف کرد، دیدم که گویا با اقوامی ارتباط برقرار نموده و با آنها گفت و گو می کند! به پیروی از ایشان، ایستاده بودم تا اینکه خسته شدم و نشستم؛ به قدری که ملول و کوفته شدم و بار دیگر ایستادم؛ به قدری که باز خسته شدم و باز نشستم؛ به قدری که دوباره خسته شدم. امام علی علیه السلام همچنان ایستاده بود و با افرادی گفت و گو می کرد. برخاستم و ایستادم و عرض کردم: ای امیر مؤمنان! ایستادن شما طول کشید. کمی استراحت کنید. سپس ردای خود را روی زمین پهن کردم تا حضرت روی آن بنشیند. فرمود: ای حبه! این ایستادن طولانی نبود، مگر به جهت گفت و گو با مؤمنی و آنس با او. عرض کردم: آیا مردگان نیز گفت و گو و آنس دارند؟ فرمود: آری، اگر پرده از جلوی چشم تو برداشته شود، آنها را می بینی که حلقه حلقه نشسته و با یکدیگر گفت و گو می کنند. عرض کردم: آیا آنها ارواح هستند یا اجسام؟ فرمود: ارواح هستند. سپس افزود: «وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَمُوتُ فِي بُقْعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا قِيلَ لِرُوحِهِ الْحَقِّيِّ بُوَادِي السَّلَامِ وَإِنَّهَا لِبُقْعَةٍ مِنْ جَنَّةِ عَدْنٍ؛ هیچ مؤمنی در زمینی از زمین های دنیا نمی میرد، مگر اینکه به روح او گفته می شود به وادی السَّلام بیوندند. همانا وادی السَّلام، سرزمینی از سرزمین بهشت عدن است.»^۱

- حکایت مرحوم آیت الله آملی

مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدتقی آملی، فقیه و عارف برجسته، از شاگردان سلسله اوّل مرحوم آیت الحق حاج میرزا علی آقا قاضی، استاد علامه طباطبایی رحمته الله علیه، نقل می کند: در نجف اشرف مدت ها می دیدیم که مرحوم میرزا علی آقا قاضی دو سه ساعت در قبرستان وادی السَّلام می نشیند. با خودم گفتم: انسان باید زیارت کند و برگردد و با قرائت فاتحه ای روح مردگان را شاد کند. کارهای لازم تری هست که باید بدان ها پرداخت. این اشکال در دل من بود؛ اما به احدی ابراز نکردم؛ حتی به صمیمی ترین رفیق خود. مدت ها گذشت و هر روز برای استفاده از محضر استاد به خدمتش می رفتم؛ تا اینکه تصمیم گرفتم از نجف اشرف به ایران بازگردم؛ ولی در مصلحت بودن این سفر تردید داشتم. این تصمیم در ذهنم

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۴۳، ح ۱.

بود و کسی از آن اطلاع نداشت. شبی می‌خواستم بخوابم. در اطاق چند کتاب علمی و دینی روی زمین بود و طبعاً هنگام خواب، پای من به سوی آنها کشیده می‌شد. با خودم گفتم: برخیزم و جای خواب خود را تغییر دهم یا نه لازم نیست؟ زیرا کتاب‌ها درست در مقابل پای من نیست؛ بلکه بالاتر قرار گرفته و بی‌احترامی به کتاب‌ها محسوب نمی‌شود. در این گفت‌وگو و تردید، سرانجام بنا را بر این گذاشتم که هتک احترام نیست و خوابیدم. صبح همان شب، به محضر استاد قاضی رفتم و سلام کردم. پس از آنکه جواب سلام مرا داد، فرمود: صلاح نیست به ایران بروید و پا دراز کردن به سوی کتاب‌ها هم بی‌احترامی است. بی‌اختیار، شگفت‌زده و هولناک شدم و گفتم: از کجا فهمیده‌اید؟ فرمود: از وادی السّلام فهمیده‌ام.^۱

مطابق برخی روایات، ارواح کفار در عالم برزخ در وادی برّهوت قرار دارند.^۲ برّهوت، در سرزمین حَضْرَمَوْت در جنوب یمن است. امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ مِنْ وَرَاءِ الْيَمَنِ وَادِيًا يُقَالُ لَهُ: وَادِي بَرّهوت، وَ لَا يُجَاوِرُ ذَلِكَ الْوَادِي إِلَّا الْحَيَاتُ السُّودُ وَ الْبُومُ مِنَ الطَّيْرِ؛ فِي ذَلِكَ الْوَادِي بَثْرٌ يُقَالُ لَهَا: بَلّهوت يُغْدَى وَ يُرَاحُ إِلَيْهَا بِأَرْوَاحِ الْمُشْرِكِينَ يَسْتَوُونَ مِنْ مَاءِ الصَّدِيدِ؛^۳ در پشت یمن، یک وادی است که به آن وادی برّهوت گفته می‌شود و در آن وادی سکونت ندارد، مگر مارهای سیاه و از پرندگان فقط جغد. در آن وادی، چاهی است به نام بلّهوت که هر صبحگاه و شامگاه، ارواح مشرکان را به آنجا می‌برند تا از آبی بیاشامند که چون فلز گداخته، گرم و بسان چرک، مخلوط‌شده با خون است.»

۷. دیدار ارواح با خانواده خود

ارواح مردگان، گاهی اوقات به دیدار خانواده خود می‌آیند و از نزدیک، آنها را ملاقات می‌کنند. ارواح مؤمنان، تنها خوبی‌ها و خوشی‌های خانواده خود را می‌بینند و خوشحال می‌شوند اما ارواح کافران، فقط بدی‌ها و ناخشنودی‌های خانواده خود را می‌بینند و غمگین می‌شوند. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُزُورُ أَهْلَهُ، فَيَرَى مَا يُحِبُّ وَ يُسْتَرُّ عَنْهُ مَا يَكْرَهُ؛

۱. محمد محمدی اشتهاردی، عالم برزخ در چند قدمی ما، ص ۱۴۱ - ۱۴۲.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۸۶، ح ۸.

۳. همان، ج ۱۷، ص ۳۹۳، ح ۴.

وَإِنَّ الْكَافِرَ لَيُزُورُ أَهْلَهُ، فَيَرَى مَا يَكْرَهُ وَيَسْتُرُّ عَنْهُ مَا يُحِبُّ. قَالَ: وَ مِنْهُمْ مَنْ يُزُورُ كُلَّ جُمُعَةٍ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يُزُورُ عَلَى قَدْرِ عَمَلِهِ؛^۱ مؤمن، اهل خود و آنچه را موجب شادی اوست، می‌بیند؛ اما چیزهایی که موجب ناخشنودی او می‌گردد، از نظرش پوشیده می‌شود. کافر نیز اهل خود را می‌بیند اما آنچه را موجب ناراحتی و کراهت اوست، مشاهده می‌کند؛ اما چیزهایی که موجب شادی اوست، از نظرش پوشیده می‌گردد. [آن‌گاه] حضرت فرمود: بعضی از مؤمنان در هر هفته یکبار در روز جمعه به زیارت و ملاقات اهل خود می‌رسند و بعضی دیگر، بر حسب مقدار عمل خود می‌توانند آنان را ملاقات و زیارت نمایند.»

۸. بهره‌مندی مردگان از اعمال نیک بازمانگان

یکی از ویژگی‌های عالم برزخ، این است که روح انسان در این عالم از اعمال نیک فرزندان و صالحان بهره‌مند می‌شود. پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مَرَّ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ بِقَبْرِ يُعَذَّبُ صَاحِبُهُ ثُمَّ مَرَّ بِهِ مِنْ قَابِلٍ فَإِذَا هُوَ لَيْسَ يُعَذَّبُ فَقَالَ يَا رَبِّ مَرَرْتُ بِهَذَا الْقَبْرِ عَامَ أَوَّلِ فَكَانَ صَاحِبُهُ يُعَذَّبُ ثُمَّ مَرَرْتُ بِهِ الْعَامَ فَإِذَا هُوَ لَيْسَ يُعَذَّبُ فَأَوْحَى إِلَيَّ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَا رُوحَ اللَّهِ إِنَّهُ أَدْرَكَ لَهُ وَكَدَّ صَالِحٌ فَأَصْلَحَ طَرِيقًا وَ أَوْى يَتِيمًا فَغَفَرْتُ لَهُ بِمَا عَمِلَ ابْنُهُ؛^۲ حضرت عیسی پسر مریم عَلَيْهَا السَّلَام از کنار قبری گذشت که صاحبش عذاب می‌کشید. سال دیگر بر آن گذر کرد و دید که صاحبش در عذاب نیست. عرض کرد: پروردگارا! سال پیش بر این گور گذشتم، صاحبش در عذاب بود و امسال که گذر نمودم، عذاب نداشت؟ خداوند صاحب عزت و جلال به او وحی کرد: ای روح خدا! فرزند صالحی داشت که به بلوغ رسید و راهی را اصلاح کرد و یتیمی را در پناه گرفت. پس، به جهت کار فرزندش، او را آمرزیدم.»

همه صدقات، اعم از صدقات جاریه مانند تأسیس مؤسسات خیریه که سودش برای خلق خدا جریان دارد، و یا صدقات غیرجاریه که عملی زودگذر است، همچنین دعا و طلب مغفرت، قرائت قرآن، انجام حج و طواف، اگر به نیابت از پدر و مادر و یا هرکس دیگری که از دنیا رفته است، انجام گیرد، موجب پاداش و شادمانی آنها می‌گردد. ممکن است

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۳۰، ح ۱.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۲۰، ح ۱۵.

فرزندانی در زمان حیات پدر و مادرشان، آنها را ناراضی کرده باشند؛ ولی پس از درگذشتشان طوری عمل کنند که رضایت آنها را به دست آورند؛ همچنان که عکس آن ممکن است.^۱ بنابراین، هیچ‌گاه نباید مرده‌ها را از یاد ببریم؛ بلکه باید همواره به یادشان باشیم و از خداوند برایشان طلب مغفرت و آمرزش کنیم و کارهای نیکی در حقشان انجام دهیم. امام صادق علیه السلام فرمود: «سِتُّ خِصَالٌ يَنْتَفِعُ بِهَا الْمُؤْمِنُ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ: وَكَدُّ صَالِحٍ يَسْتَغْفِرُ لَهُ، وَ مُصْحَفٌ يقرأ فِيهِ، وَ قَلِيبٌ يَحْفَرُهُ، وَ غَرَسٌ يَغْرِسُهُ، وَ صَدَقَةٌ مَاءٍ يُجْرِيهِ، وَ سُنَّةٌ حَسَنَةٌ يُؤْخَذُ بِهَا بَعْدَهُ؛^۲ شش چیز است که مؤمن پس از مرگ خود، از آنها بهره‌مند می‌شود: فرزند صالحی که برای او آمرزش بطلبد، قرآنی که از روی آن تلاوت می‌کند، چاهی که حفر می‌نماید، درختی که می‌نشانند، نهر آبی که در راه خدا جاری و وقف می‌کند، سنت (روش) پسندیده‌ای که از خود بر جای می‌گذارد و پس از او به آن عمل می‌شود.»

در نتیجه، تا فرصت عمر در اختیارمان هست، باید تلاش کنیم و حیات آتی خود را بر اساس سعادت و رستگاری رقم بزنیم و برای صاحبان حق، همچون: پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام، پدران، مادران، برادران، خواهران، فرزندان، شهدا و یا معلمان، هدایای معنوی بفرستیم و برای تعالی روحشان دعا کنیم.

تک‌تک ساعت چه گوید گوش‌دار	گویدت بیدار باش ای هوشیار
عقربک آهسته پندت می‌دهد	پند شیرین‌تر ز قندت می‌دهد
هم ز غفلت هم ز بیکاری بترس	لحظه‌ای هرگز مشو غافل ز درس

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲، ص ۵۱۹.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۹۳.